

با وجود اشتراک در مبانی عقیدتی، گروهی موسوم به نزاریه به اباحه منسوب شدند و گروه دیگر به نام مستعلویه همچنان بر پای بندی نسبت به احکام شریعت باقی ماندند، و افتراق این دو گروه از یکدیگر هیچگاه به اعتبار اباحی بودن یکی و پای بندی دیگری به احکام شرع نبوده، بلکه عمدتاً به لحاظ اختلاف در تعیین امام بوده است. در میان برخی از غلات شیعه نیز اگر اباحه راه یافته است هیچگاه این امر عامل تمایز آنها به صورت یک فرقه مستقل نبوده، بلکه اختلاف در اصول عقاید، آنان را به صورت فرقه‌های جداگانه در آورده است. بررسی اجمالی فرق مختلف مسلمانان این نکته را آشکار می‌سازد که اکثر طوایف اباحیه با استناد به این که قرآن کریم علاوه بر ظاهر، معانی باطنی نیز دارد، اهمال در رعایت احکام را زیر پوشش توجه به باطن و تأویل احکام شرع قرار داده و بر نظریات یا اغراض خود سربوش دین نهاده‌اند.

دردائرة المعارف اسلام<sup>۱</sup> و دانشنامه زیر عنوان اباحه، اعتقاد به اباحه در میان شیعیان معلول امید به آخر الزمان و ظهور حضرت مهدی (ع) و در میان صوفیان نتیجه تجربه عارفانه و مکاشفه دانسته شده است، در حالی که به گواهی کتابهای ملل و نحل در هیچ یک از فرق شیعه، و حتی در میان غلات، امید به ظهور حضرت مهدی (ع) سبب اباحه نبوده است. البته برخی از فرق اسماعیلیه مثل نزاریه به اعتقاد خود، تحقق ظهور امام قائم (محمد بن اسماعیل) را دستاویز اباحه قرار داده‌اند، ولی این نوع اعتقاد به اباحه نیز مبتنی بر امید به ظهور امام قائم نیست. در میان صوفیه نیز تجربه عارفانه و مکاشفه موجب بروز اباحه نبوده است، بلکه گاهی کسانی از متصوفه به بهانه اینکه پس از وصل به حقیقت، تمسک به وسیله یعنی شریعت ضرورت ندارد، از زیر بار برخی از تکالیف شرعی شانه خالی کرده‌اند. گرایشهای اباحی را می‌توان عمدتاً در گروههایی از غلات شیعه، خوارج اسماعیلیه، کیسانیه، راوندیه، صوفیه، و برخی دیگر از فرق پیدا کرد.

غلات شیعه: ویژگی اصلی غلات شیعه، اعتقاد به حلول ذات الهی در علی (ع) و برخی از ائمه (ع) و سایر پیشوایانشان می‌باشد. برخی از غلات شیعه از اهمیت معرفت نسبت به مقام امام معصوم در تشیع، سوء استفاده کرده، بین پیروان خود چنین شایع کردند که هر کس امام را بشناسد از عمل به واجبات و ترک محرمات بی‌نیاز است. در کتب روایات شیعیان دوازده امامی روایات متعددی نقل شده است که به موجب آنها ائمه شیعه از قائلان به چنین عقیده‌ای تبرئ جسته و آنان را از خود ندانسته‌اند (طوسی، ۸۰۲/۲ - ۸۰۶). در میان غلات شیعه کسانی بوده‌اند که با داشتن گروهی از پیروان، هرگز نتوانسته‌اند فرقه مستقلی تشکیل دهند، مانند علی بن مسعود حسکه و قاسم بن یقظین (همو، ۸۰۲/۲ - ۸۰۳). یکی از فرق اباحی مذهب غلات شیعه، خطاییه است، که از

(انصاری، ۱۹۹). مستند شرعی امامیه آیات و احادیث منقول از ائمه است از جمله این آیات: ۱. هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَافِي الْأَرْضِ جَمِيعًا: او خدایی است که همه موجودات زمین را برای شما خلق کرد (بقره/ ۲۹/۲): ۲. يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا: ای مردم از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه را تناول کنید (بقره/ ۱۶۸/۲): ۳. قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مِيتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ: بگو ای پیامبر در احکامی که به من وحی شده است، من چیزی را که برای خوردندگان طعام حرام باشد، نمی‌یابم، جز آنکه میده (حیوان مرده) باشد یا خون ریخته یا گوشت خوک (انعام/ ۱۴۵/۶).

از امام صادق (ع) نیز نقل شده که «كُلُّ شَيْءٍ مُطْلَقٌ حَتَّى يَرِدَ فِيهِ نَهْيٌ»: همه اشیاء مباحند مگر آنکه مورد نهی واقع شده باشند (حر عاملی، ۱۲۷/۱۸ - ۱۲۸).

ماخذ: آمدی، علی بن محمد، الاحکام فی اصول الاحکام، بیروت، ۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۵ م؛ ابن حزم، علی بن احمد، الاحکام فی اصول الاحکام، بیروت، ۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۵ م؛ ابن قدامه، عبدالله بن احمد، روضة الناظر و جنة الناظر، بیروت، ۱۴۰۱ ق/ ۱۹۸۱ م؛ ازهری، محمد بن احمد، تهذيب اللغة، قاهره، ۱۹۶۶ م؛ بدخشی، محمد بن حسن، مناهج العقول فی شرح منهاج الوصول...، بیروت، ۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۴ م؛ نهانوی، علی بن علی، کشف اصطلاحات الفنون، به کوشش آلوسی شیرنکر، کلکته، ۱۸۴۸ - ۱۸۶۱ م؛ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، بیروت، ۱۳۸۳، ۱۳۸۷ ق/ ۱۹۶۳، ۱۹۶۷ م؛ حکیم، محمد تقی، الاصول العامة للفقهاء المقارن، قم، ۱۹۷۹ م؛ شهید اول، محمد بن مکی، القواعد والفوائد فی الفقه والاصول والعربیة، قم، ۱۳۹۹ ق/ ۱۹۷۹ م؛ شهید ثانی، زین الدین بن علی، معالم الاصول، ترجمه آقا‌های مازندرانی، تهران، ۱۳۳۷ ق/ ۱۹۵۷ م؛ علم الهدی، مرتضی بن داعی، الذریعة الی اصول الشریعة، تهران، ۱۳۴۶ ش؛ غزالی، محمد بن محمد، المستصفی، قاهره، ۱۳۲۲ ق/ ۱۹۰۴ م؛ فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، ۱۰۴۵ ق/ ۱۹۸۵ م؛ قانون مدنی ایران؛ قرآن کریم؛ موسوعة جمال عبدالناصر الفقہیة قاهره، ۱۳۸۶ ق/ ۱۹۶۶ م.

اباحیه، گروههایی که برخی از اعمال خلاف شرع را مباح پندارند. اباحه در لغت به معنای اجازه، و در اصطلاح، جایز شمردن محرمات دینی است. بنابراین تعریف، امکان ظهور اباحه در میان پیروان تمامی ادیان وجود دارد (ERE)، ذیل نقض احکام<sup>۲</sup>، بعضی از مؤلفان کتابهای ملل و نحل در اسلام مثل بغدادی در الفرق بین الفرق (ص ۱۷۲) و فخر رازی در اعتقادات فرق المسلمين و المشرکین (ص ۷۴)، مسلمانان اباحی مذهب را بر دین مجوس و مزدک دانسته و باقیمانده آنان معرفی کرده‌اند. انتساب این گونه اشخاص به دین مزدک از آن روی بوده است که اکثر اعمال حرام در اسلام را که در آیین مزدکی روا بوده است، مباح می‌شمردند. اباحیه را در اسلام نمی‌توان فرقه‌ای مستقل یا مبانی اعتقادی خاص به شمار آورد، بلکه در میان فرق مختلف مسلمانان گروههایی پیدا شده‌اند که بر اساس تأویل ظواهر قرآن و حدیث و یا بر مبنای معاذیر دیگر بعضی از تکالیف شرعی را از خود ساقط دانسته و ارتکاب برخی از اعمال منافی شرع را بر خویش مباح شمرده‌اند. از این روست که مثلاً در فرقه اسماعیلیه،

1. Antinomianism 2. EI<sup>2</sup>.

بشار شعیری بودند. از ویژگیهای مشترک هر دو گروه تعطیل فرائض و سنن اسلامی بوده است (اشعری، سعد، ۵۹، ۶۳).

**خوارج:** در میان خوارج گروههایی بودند که برخی از محرمات دینی را مباح می‌دانستند؛ همچون میمونیه (پیدایش: نیمه اول قرن ۲ ق/ ۸م) که نکاح دختری پسر و دختری دختر و دختر برادر و دختر خواهر را جایز می‌شمردند (علم‌الهدی، ۴۰؛ بغدادی، ۱۶۸)، و بیّه‌سیه (ح ۹۰ ق/ ۷۰۹م) که ترک نماز و دشنام گفتن به انبیاء را در حال مستی مباح می‌شمردند (علم‌الهدی، ۴۲). علاوه بر دو گروه فوق، فرقه‌ای موسوم به یزیدیه نیز در میان خوارج وجود داشت که بسیاری از محرمات را مباح می‌دانستند (بغدادی، ۱۶۷).

**اسماعیلیه:** بنابر تعالیم ائمه شیعه (ع)، اسماعیلیه توجه خاص به معانی باطنی آیات قرآن کریم داشتند. اما پیشوایان برخی از فرق اسماعیلیه دامنه تأویل را چنان وسیع دانستند که گمان بردند معنای باطنی آیات در باب احکام می‌تواند به کلی مغایر با ظاهر لفظ و حتی ناقض آن باشد، تا آنجا که برخی از آنان گفتند که ظواهر احکام شرع همچون زنجیر و بندی است که بر دست و پای کسانی که از درک معانی باطنی آنها محروم مانده‌اند، زده می‌شود، و این کمترین کفر آنان است (نوبختی، ۱۱۰)، اما این توجه به باطن مانع آن نبوده است که برخی از فرق اسماعیلیه احکام و تعالیم شریعت را نیز رعایت کنند. مثلاً فرقه بُهره که در غرب هند ساکنند به احکام شریعت پای بند هستند و فقیه مشهور آنان قاضی ابوحنیفه نعمان بن محمد منصور دارای دو کتاب موسوم به دعائم الاسلام فی ذکر الحلال والحرام والقضایا والاحکام و مختصر الآثار فی ماری عن الائمة الاطهار است (مشکور، ۲۳۱).

فاطمیون مصر نیز پای بند به احکام شریعت و از اباحه روی گردان بوده‌اند. پس از اتمام دوره امامت «امامان مستور» و ظهور دولت فاطمی مصر (۲۹۷ ق/ ۹۱۰م) بر اثر اختلافات عقیدتی که میان داعیان اسماعیلی پدید آمد فرق مختلفی در میان این گروه ظاهر شدند و این خود عامل بسیار مهمی در تضعیف و تلاشی دولت فاطمی مصر گردید. برخی از این فرق رسماً طریق اباحه پیش گرفتند. از جمله فرقه نزاریه (پیروان المصطفی لدین الله، مشهور به «نزار» (د ۴۸۸ ق/ ۱۰۹۵م)، فرزند خلیفه فاطمی المستنصر) را می‌توان نام برد. از داعیان بزرگ این فرقه، که خود سپس مدعی امامت شد، حسن صباح است. او در قلعه الموت آغاز قیامت را اعلام نمود و خود را امام منتظر معرفی کرد و سپس حق الله یا احکامی از شریعت را که ناظر به روابط میان خالق و مخلوق بودند از پیروان خود ساقط نمود. از این رو نام این فرقه را مسقطیه نیز گفته‌اند (مشکور، ۲۳۴). اینان معتقد به مراتب هفتگانه مستجب، مأذون، داعی، حجت، امام، اساس و ناطق در میان مؤمنین می‌باشند، و ناطق را دارای بالاترین مرتبه در میان خلق و واضع جدید و ناسخ شریعت قدیم می‌دانند. بنابراین در هر زمان حلال و حرام شریعت تابع دستور و نظر ناطق است. نزاریه برای احکام شرعی و

ابوالخطاب محمد بن ابی زینب اجدع اسدی (د ۱۳۸ ق/ ۷۵۵م) پیروی می‌کردند. خطاییه معتقد به الوهیت امام صادق (ع) و رسالت ابوالخطاب بودند و ارتکاب بعضی از محرمات را جایز دانسته، در عمل نسبت به واجباتی چون نماز، روزه، حج و زکات تسامح روا داشته و بر این عقیده بودند که اگر کسی از دوست خود بخواهد که علیه دشمن او شهادت دروغ دهد، باید بپذیرد. آنان محرمات و واجبات احکام را تأویل به مردانی می‌کردند که باید از آنها دوری گزید یا به ایشان نزدیک شد، و به استناد آیه «یُرِیدُ اللهُ أَنْ یخَفِّفَ عَنْکُمْ وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِیفًا» (نساء/ ۲۸/۴) گفته‌اند که خداوند به دست ابوالخطاب بار سنگین واجبات شریعت را از دوش ما برداشته است (اشعری، سعد، ۶۳؛ نوبختی، ۷۰). محمد بن عمر بن عبدالعزیز کثی در کتاب رجال خویش نامه‌ای از امام صادق (ع) خطاب به ابوالخطاب نقل می‌کند که در آن امام صادق، ابوالخطاب را بدین دلیل که زنا، خمر، نماز، روزه و گناهان را نماد اشخاص دانسته، محکوم کرده است (طوسی، ۵۷۷/۲، ۵۷۸).

گروه دیگری از خطاییه موسوم به معمریه، معتقد به الوهیت معمر بن عباد سلمی (د ۲۱۵ ق/ ۸۳۰م) بودند. معمر معتقد بود که خداوند هیچگاه بندگان خود را از نعمتهایی که برای استفاده آنان آفریده است، منع نخواهد کرد. بنابراین هیچ غذای حرام و هیچ عمل ممنوعی وجود ندارد و زنا، دزدی، نوشیدن شراب، خوردن گوشت خوک، ازدواج با محارم و لواط جائز می‌باشد. او غسل جنابت را با این استدلال که نطفه پاک و مایه آفرینش آدمیان است از پیروان خود برداشته بود و مانند اکثر غلات اباحی مذهب محرمات و واجبات شرع را اسامی اشخاصی می‌دانست که باید از آنان دوری جست یا به آنان تقرب نمود (اشعری، علی، ۱۵؛ نوبختی، ۷۱ - ۷۲).

یکی دیگر از فرق اباحی مذهب غلات شیعه بشیریّه یا بشریه (اشعری، سعد، ۱۹/۱، حاشیه) بودند که از محمد بن بشر کوفی (ح ۱۸۰ ق/ ۷۹۶م) یکی از موالی بنی اسد، پیروی می‌کردند. بشیریّه (یا معطوریّه) از واجبات شریعت اسلام تنها به نمازهای پنجگانه و روزه ماه رمضان معتقد بودند و بقیه احکام را انکار می‌کردند، و به استناد این سخن خداوند که «أُوْیُزَّوْجُهُمْ ذُکْرَاناً وَآنَاثاً...» (شوری/ ۵۰/۴۲)، هم بستر شدن با محارم و لواط را جایز می‌شمردند. بشیریّه در اموال و ازدواج اشتراکی مذهب بودند و رعایت مساوات در مال و همسر را ضروری می‌دانستند (نوبختی، ۱۲۲ - ۱۲۳؛ اشعری، سعد، ۶۰). گروهی دیگر از غلات شیعه پیروان محمد بن نصیر نیری بودند که در روزگار امام حسن عسکری (ع) (۲۳۲ - ۲۶۰ ق/ ۸۴۶ - ۸۷۴م) پدید آمدند و به نصیریّه یا نمیریّه شهرت داشتند. محمد بن نصیر ارتکاب محرمات را جایز می‌شمرد، و از آن جمله ازدواج با محارم را مجاز و لواط را نشانه فروتنی می‌دانست (نوبختی، ۱۳۶).

از دیگر گروههای اباحی مذهب این فرقه مخمسه و علیائیه (پیدایش: ح ۱۴۰ ق/ ۷۵۷م) را می‌توان ذکر کرد که پیرو ابوالخطاب و

بیانیه به اباحه گرایش یافتند. حمزیه پیروان حمزه بن عماره بربری بودند. او بر این عقیده بود که هرکس که امام را بشناسد از قید رعایت واجبات و محرمات دین آزاد خواهد بود. گفته اند که او با دختر خود ازدواج کرد (اشعری، سعد، ۵۶؛ نوبختی، ۴۹ - ۵۰). گروه دیگر از کیسانیه که از یاران عبدالله بن حارث بودند حارثیه یا جناحیه نامیده شدند. جناحیه را نیز اعتقاد بر این بود که هرکس که امام را بشناسد هر کار که خواهد، می تواند انجام دهد و هیچ گناهی بر او نیست. آنان عبادات را اسامی مردانی از اهل بیت علی علیه السلام که محبت آنان واجب است می دانستند، و محرمات را اسامی دشمنان اهل بیت آن حضرت که بغض و دشمنی آنان ضروری است، می شمردند (نوبختی، ۵۶؛ بغدادی، ۱۵۰). گروه دیگر از کیسانیه پیروان بیان بن سمعان، موسوم به بیانیه بودند. طایفه ای از آنان معتقد بودند که قسمتی از شریعت اسلام به وسیله بیان نسخ شده است و از این رو نسبت به برخی از محرمات و واجبات بی اعتنا بودند (بغدادی، ۱۴۵).

راوندیه: فرقه ای از شیعیان عباسی را راوندیه (ح ۱۵۰/ق ۷۶۷م) گویند که در میان آنان گروهی موسوم به ابومسلمیه به اباحه گرایش یافتند. ابومسلمیه به ادامه حیات و امامت ابومسلم خراسانی قائل شدند و شناخت امام را برای رستگاری کافی می دانستند و خود را از قید رعایت واجبات و احتراز از محرمات آزاد می انگاشتند (نوبختی، ۷۵). صوفیه: در میان گروههایی از صوفیه نیز گرایشهای اباحی و مخالف با موازین شرعی دیده می شود. یکی از رسائل مهمی که بر رد صوفیه اباحی مذهب نگاشته شده است، رساله ای است تحت عنوان «کتاب بذکر فیه حماقة اهل الاباحه» از محمد بن محمد غزالی. او در این رساله (صص ۹۸ - ۱۱۸) ۸ شبهه از شبهات اهل اباحه در میان صوفیان را مطرح ساخته و به پاسخ گویی پرداخته است. شبهات مزبور که در حقیقت خلاصه توجیهات صوفیه اباحی مذهب است، از این قرارند: ۱. خداوند از طاعت بندگان بی نیاز است؛ ۲. حق تعالی کریم و رحیم است و به همه بندگان، حتی گنهکاران به دیده رحمت می نگرد؛ ۳. مقصود از احکام شریعت، پاک شدن انسان از شهوات نفسانی است و چون این کیفیات ذاتی و فطری انسان است، با ریاضت و پرهیزکاری زایل نمی شود؛ ۴. به سبب عارض شدن بعضی حالات و حصول برخی کیفیات باطنی در نتیجه ریاضت، بر کسانی این گمان باطل دست می دهد که به نهایت کار رسیده و به حق واصل شده اند، و طبعاً بعد از وصول به مقصد، پرداختن به وسیله امری عبث و باطل است؛ ۵. کسانی دیگر، که در پی مجاهدتها و ریاضتهای مداوم به کمال نفسانی رسیده و از شهوات و رذائل اخلاقی پاک شده اند، گمان می برند که بر تمامی اسرار عبادات واقفند و چیزی از این اسرار بر ایشان پوشیده نیست، و همین تصور موجب گمراه شدن آنان می گردد؛ ۶. چون سعادت و شقاوت بسته به تقدیر ازلی است پس سعی و مجاهدت بنده در قیام به طاعات و اجتناب از معاصی بی فایده است؛ ۷. آدمی چون گیاهی است که با مردن نابود می شود و دوزخ و عقاب و ثواب و حساب دروغ و

تکالیف عبادی چون نماز، روزه، زکات و حج، تأویلات خاص داشتند و می گفتند که مقصود از واجبات شرع قومی است که دوستی آنان واجب است، و محرمات عبارتند از قومی که باید آنان را دشمن داشت و از ایشان تبری نمود (علم الهدی، ۱۸۱ - ۱۸۲؛ مشکور، ۲۲۷، ۲۲۸). یکی دیگر از فرق اسماعیلیه که به اباحه گرایش یافتند، قرامطه بودند. پیشوای قرامطه که از فرقه مبارکیه منشعب شدند، قرامطویه یا حمدان قرامط بود. آنان معتقد بودند که محمد بن اسماعیل امام قائم است، در عین حال مقام نبوت نیز دارد، و به همین دلیل خود دارای شریعتی است که شریعت پیغمبر اسلام (ص) را نسخ می کند. آنان درباره لزوم نسخ شریعت قدیم به وسیله امام قائم به روایاتی نظیر این روایات تمسک جستند: «اگر قائم ما قیام کند، قرآن را جدید می یابید: «اسلام آغازی غربانه داشت و به زودی همچون آغاز آن غریب خواهد شد، پس خوشا به حال غریبان». آنان به استناد این روایت که خود نقل کرده اند: «خداوند تبارک و تعالی بهشت آدم - صلوات خدا بر او - را برای محمد بن اسماعیل قرار داد»، گفته اند که خداوند تمامی محرمات را بر محمد بن اسماعیل و یاران او حلال کرده است. به عقیده قرامطه تأویل این آیه از قرآن کریم که خداوند به آدم و حوا می فرماید: «وَكَلَّا مِنْهَا رَعْدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ» (بقره ۳۵/۲) این است که شما پیروان محمد بن اسماعیل هر کار که خواهید بکنید و هر چه خواهید بخورید، اما به موسی بن جعفر (ع) و فرزندان وی و هر که پس از او دعوی امامت کند نزدیک نشوید. به نظر آنان تمامی احکام الهی دارای ظاهر و باطنی است که عمل به باطن آنها سبب رستگاری و تمسک به ظاهر آنها موجب هلاکت می گردد و رنج ناشی از عمل به ظاهر احکام کمترین کیفری است که اهل ظاهر به آن مبتلا می شوند. آنان معتقدند که نماز دانستن اسرار، روزه پنهان کردن اسرار و حج دیدار پیروان محمد بن اسماعیل است (نوبختی، ۱۰۸ - ۱۱۹؛ اشعری، سعد، ۸۳ - ۸۵). ناصر خسرو در سفرنامه (صص ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۱) وقتی که از مشاهدات خود در ۴۴۳ ق در لخصاء - مرکز حکومت قرامطه - سخن می گوید، یادآور می شود که مردم این شهر در عین آنکه اقرار به نبوت پیامبر اسلام (ص) دارند، نماز نمی خوانند و روزه نمی گیرند و گویند بوسعید گفته است که نماز و روزه را از شما برگرفتم. در این شهر گوشت همه حیوانات چون گربه، سگ، گاو، خر و گوسفند به فروش می رسد و سگ را نیز همچون گوسفند برای کشتن و خوردن فربه می کنند.

گروه دیگری از اسماعیلیه غیابیه اند که پیروان مردی ادیب و شاعر به نام غیاث بوده اند. آنان بر اساس کتاب بیان غیاث معتقد بودند که فهم ظاهری احکام فقهی باطل و خطاست. خلطیه نیز نام گروهی از اسماعیلیه بوده است که به اباحه گرایش داشته اند (مشکور، ۲۳۲، ۲۳۳). کیسانیه: قائلین به امامت و گاه الوهیت محمد بن حنفیه را کیسانیه نامند. در میان کیسانیه نیز سه فرقه، حمزیه، جناحیه یا حارثیه و

تلبیس است: ۸. درویش کسی است که از همه چیز، درویش و تهی دست باشد، حتی از ثمرات نماز، روزه، ثواب و از امید رسیدن به بهشت. عبدالرحمن جامی در نفحات الانس صوفیان اباحی مذهب را «متشبه مبطل به صوفیان» یا باطنیه و مباحیه نامیده است و می گوید آنان خود را در زمره صوفیان اظهار کنند ولی نسبت به عقاید و احوال و اعمال ایشان بیگانه باشند و گویند پای بندی به احکام شرع ویژه عوام است، زیرا که نهایت فهم و دید آنها در درک ظواهر اشیاء است، اما اهل طریقت و حقیقت برتر از آنهاست که به رسوم ظاهر مقید شوند و تمامی همت آنان به مراعات حضور باطن است (ص ۱۳). اینان بر این اعتقادند که احکام شریعت برای تهذیب نفس و وصول به حق است و گویند چون ما را وصال حق نصیب شده است دیگر حاجت به رعایت احکام شرع نیست و تکلیف از ما برداشته شده است (سهروردی، ۳۱). این همان شبهه پنجمی است که غزالی نیز از آن یاد می کند. به هر حال این نکته گفتنی است که در آثار مهم صوفیه و در سخنان بزرگان و مشایخ آنان اباحی مذهبیان همواره مورد نکوهش بوده اند، و رعایت شریعت تا آخرین لحظه حیات شرط توفیق در طریقت دانسته شده است (هجوری، ۴۰۳؛ سهروردی، ۳۱).

سایر فرق اسلامی: در میان سایر فرق اسلامی، که اغلب اهل تستن بوده اند نیز گرایش به اباحه دیده می شود. به گفته سمعانی در الانساب (۸۵/۱) برخی اشخاص از آن روی که شافعی، بازی شطرنج، و مالک، اتیان زنان از دُبر و ابوحنیفه، شرب نبذ را مجاز دانسته اند، ارتکاب قمار و لواط و نوشیدن شراب را بر خود مباح می دانند. خرم دینیه (یا خرمیه یا سرخ جامگان)، مقنعه (یا مئینه)، حلمانیه و کرامیه را نیز می توان از جهاتی در شمار اباحیه قرار داد. دو گروه اصلی خرم دینیه موسوم به بابکيه و مازیاریه، گرچه به ظاهر مسلمان بودند و به ساختن مساجد و اقامه نماز در آنها می پرداختند، اما در ماه رمضان روزه نمی گرفتند و در پنهان نماز نمی گزاردند و از فواحش و محرّمات پرهیز نداشتند و ارتکاب آنها را بر خود مباح می دانستند (نوبختی، ۳۶؛ بغدادی، ۱۶۱). مقنعه پیروان المقنع (د ۱۶۳ ق/ ۷۸۰ م) بودند که محرّمات را بر پیروان خویش مباح و واجبات را از آنان ساقط کرده بود (بغدادی، ۱۵۵). حلمانیه پیروان ابو حلیمان دمشقی (د ۳۴۰ ق/ ۹۵۱ م) بودند و او معتقد به حلول خداوند در صورتهای زیبا بود و هر جا که صورتی زیبا می دید در برابر او سجده می کرد. ابو حلیمان می گفت که اگر کسی خداوند را آن گونه که من توصیف می کنم بشناسد، هیچ چیز بر او حرام نخواهد بود و هر کار لذت بخشی را می تواند انجام دهد و هر غذایی را که بخواد می تواند بخورد (بغدادی، ۱۵۶). کرامیان پیروان ابو عبدالله کرام (د ۲۵۵ ق/ ۸۶۹ م) بودند و می گفتند که جمله گناهان، جز خوردن شراب را، در پنهان می توان انجام داد. از ابو عبدالله کرام نقل شده است که گفت: من جمله کبائر را

بر شما مباح کردم، جز خمر را. او لواط با کفار و مشرکان و مجوس و یهود و نصاری را عبادت می دانست. به اعتقاد اینان هر گناه که کرامی کند برای او حسنه نویسند، و هر نیکی که دیگری کند برایش گناه نویسند (بغدادی، ۱۳۰ - ۱۳۶؛ علم الهدی، ۷۰).

ماخذ: اشعری، علی بن اسماعیل، مقالات الاسلامیین، ترجمه محسن مؤیدی، تهران، ۱۳۶۲؛ اشعری، سعد بن عبدالله، المقالات والفرق، به کوشش محمد جواد مشکور، تهران، ۱۳۶۱؛ بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر، الفرق بین الفرق، به کوشش عزت العطار الحسینی، قاهره، ۱۳۶۷ ق/ ۱۹۴۸ م؛ جامی، عبدالرحمن بن احمد، نفحات الانس، به کوشش مهدی توحیدی پور، تهران، ۱۳۳۷؛ اسمعانی، عبدالکریم بن محمد، الانساب، به کوشش عبدالرحمن بن یحیی المعلمی، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۲ ق/ ۱۹۶۲ م؛ سهروردی، عمر بن محمد، عوارف المعارف، ترجمه ابونصور عبدالؤمن اصفهانی، تهران، ۱۳۶۴؛ طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، به کوشش میرداماد استرآبادی، قم، ۱۴۰۴؛ علم الهدی، مرتضی بن داعی، نضره العوام، به کوشش عباس اقبال، تهران، ۱۳۱۲؛ غزالی، محمد بن محمد، «کتاب يذكر فيه حماقة اهل الاباحه»، زمينه ايران شناسی، به کوشش چنگیز بهلولان و وحید نوینروانی، تهران، ۱۳۶۴؛ فخر رازی، محمد بن عمر، اعتقادات فرق المسلمین و الشریکین، به کوشش علی سامی النشار، قاهره، ۱۳۵۶ ق؛ مشکور، محمد جواد، تاریخ شیعه و فرقه های اسلام تا قرن چهارم، تهران، ۱۳۵۵؛ ناصر خسرو، سفرنامه، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، ۱۳۵۴؛ نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، ترجمه محمد جواد مشکور، تهران، ۱۳۵۳؛ هجوری، علی بن عثمان، کشف المحجوب، به کوشش و ژوروفسکی، لنین گراد، ۱۹۲۶ م؛ نیز: EF؛ ERE.

حسین لائینی

ایبادان، مرکز ایالت غربی جمهوری فدرال نیجریه، واقع در ۱۶۰ کیلومتری شمال شرقی لاگوس، پایتخت این جمهوری با ۱'۰۶۰'۰۰۰ نفر جمعیت (سرشماری ۱۹۸۳ م) («کتاب سال بریتانیکا»، ۷۱۹، ۷ و ۱۷ عرض شمالی و ۳ و ۳۰ طول شرقی و ۲۰۰ متر ارتفاع تقریبی از سطح دریا (بریتانیکا، ذیل نیجریه). نام آن به صورتهای ایبادان (دایرة المعارف فارسی؛ دانشنامه؛ کورنون، ۷۷)، ابدان (احمد، ۱۳۱۹)، ایبادان (پوتخین، ۱۸۷؛ جهان معاصر، ۳۵۸؛ تبریزی، ۱۳۲)، ایبادن (دیویدسن، ۴۰۹)، ایبدان (تقویم البلدان الاسلامیه، ۲۴۵)، ایبادانا (دخانیاتی، ۱۵۸) ثبت شده و به احتمال قوی تلفظ درست همان «ایبادان» است.

ایبادان مرکز قبیله بزرگ یوروباء است و در زبان یوروبایی به صورت ابأدان به معنای «نزدیک ساوانا» (ساوانا کلمه ای اسپانیایی به معنای علفزارها یا درختان و بوته های پراکنده) تلفظ می شود که خود مبین موقعیت جغرافیایی آن است. شهر در حد فاصل بین جنگلهای استوایی و جلگه های سبز و عاری از درخت نواحی پست ساحلی واقع شده و دارای موقعیت ممتازی است که برای آن اهمیت اقتصادی و ارتباطی ویژه به وجود آورده است. آب و هوای آن گرم و مرطوب از نوع استوایی است که گرمای متوسط روزانه آن از ۳۰ سانتی گراد بیش تر و اختلاف گرمای شب و روز آن کم است و از ۱۱ تجاوز